
کیمیای سخن

مجموعه مقالات همایش نکو داشت

دکتر سید محمد علوی مقدم

بهار ۱۳۸۰

همایش نکوداشت دکتر سید محمد علوی مقدم (۱۳۸۱: سبزوار).

کیمیای سخن: مجموعه مقالات همایش نکوداشت دکتر سید محمد علوی مقدم (۱۳۸۱: سبزوار). / به کوشش و ویرایش مهیار علوی مقدم. - سبزوار: دانشگاه تربیت معلم سبزوار، ۱۳۸۱.

۵۰۳ ص. : عکس. - (انتشارات دانشگاه تربیت معلم سبزوار ۱۹۹۶)

ISBN 964-6270-14-x

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه.

۱. علوی مقدم، محمد، ۱۳۱۱ - - گنگره.ع.ا.

الف. علوی مقدم، مهیار، ۱۳۴۴ - - گردآورنده.

ب. دانشگاه تربیت معلم سبزوار، ج. عنوان.

۸۷۶۸/۰۶۲ PIR ۸۱۵۱ / ۸۶۷ ی ۸۷

۱۳۸۱

کتابخانه ملی ایران

۲۶۹۱۸ - ۸۰م

کیمیای سخن (مجموعه مقالات همایش نکوداشت دکتر سید محمد علوی مقدم)

مؤلف: جمعی از نویسندگان

به کوشش و ویرایش: مهیار علوی مقدم

نمونه خوانی: طاهره کریمی ثانی - ملیحه شاکری

طرح روی جلد: رضا فریدنیا

تایپ: واحد حروفچینی انتشارات دانشگاه

ناشر: دانشگاه تربیت معلم سبزوار

چاپ: چاپخانه دانشگاه تربیت معلم سبزوار

چاپ نخست: ۱۳۸۱

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۶۴-۶۲۷۰-۱۴-X

ISBN : (964-6270-14-X)

بها: ۲۰۰۰۰ ریال

حق چاپ برای دانشگاه تربیت معلم سبزوار محفوظ است

بخش ۱ یادها، خاطره‌ها و باورها

۳	محتدیان (دبیر همایش) گزارشی کوتاه از همایش نکوداشت استاد دکتر سید محمد علوی مقدم / دکتر عباس گفتگو با استاد
۷	کارنامه پژوهشی دکتر سید محمد علوی مقدم
۱۵	یاد باد آن روزگاران یاد باد! / اصغر ارشاد سراپا
۲۱	نگاهی کوتاه به کتابخانه شخصی دکتر سید محمد علوی مقدم / مریم ساسانی
۳۳	پیام گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد
۴۷	خاطره یک دوست / دکتر رضا مصطفوی سبزواری
۴۱	حُلق مشوق / محمد حسن صنعتی
۴۷	درسهایی که از بلاغت قرآن در محضر استاد آموختم / دکتر احمد کرابی
۵۱	اندوهی بر گذر زمان / فریدون تقی زاده طوسی
۵۷	در مقام استاد (شعر) / حسن دلیری
۶۰	آینه دار قلم (شعر) / دکتر محمد علی لطفی مقدم
۶۱	

بخش ۲ زبان، ادبیات و نقد ادبی

۶۵	شکل‌شناسی شعر فارسی / ابراهیم استاجی
۹۱	مدح رسول اکرم (ص) در شعر سید رضا موسوی هندی / دکتر صاحبعلی اکبری
۱۱۳	همینگوی و اخوان در دو اثر همانند / دکتر رضا انزایی نژاد
۱۲۹	راز شمس و درخت زندگی / دکتر مه دخت پورخانی

مدح رسول اکرم (ص) در شعر سید رضاموسوی هندی

دکتر صاحبعلی اکبری

عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت معلم سبزوار

خیر الکلام بعد حمد الملک العلام نعت النبی خیر الأنام - علیه و علی آله أفضل الصلاة و
السلام .

از همان سپیده اسلام که پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - ندای جانفزای (تعالوا الی کلمة سواء بیننا و بینکم) ^۱ را در اطراف و اکناف جهان افکند، در مقابل آیات گران قدر قرآن مجید و دعوت ناصحانه آن حضرت، فصیحان عرب چنان خاضع شدند که دفتر از گفته‌های پریشان‌بختند و بیشتر افرادی که سعادت شرفیابی حضور پیامبر اکرم (ص) را نیافتند، تحت تأثیر رفتار و گفتار آسمانی آن حضرت، به دین مبین اسلام روی آوردند و از آن پس به جای اشعار ناروا، مدح و منقبت آن حضرت را، زینت بخش آثار خویش قرار دادند.

سیر تحول مدح در ادب عربی

مدح قبی از فنون شعر غنایی است که بر عواطف و احساسات درونی شاعر استوار است. بر روی شعر، احساسات و روح احترام را در درون مدح کتنده بر می‌انگیزد. مدح از زمان جاهلیت به دست شاعرانی چون نابغه، اعشى، زهير و دیگران شکوفا شد. در قصیده مدح، شرایطی را در نظر گرفته اند از جمله:

۱- مناسبت قصیده با مقام مدح؛

۲- شیرینی الفاظ و قدر آنها؛

۳- توسط در طول قصیده.

از جمله کسانی که در این دوره پیامبر اسلام (ص) را مدح کرده‌اند، می‌توان از اعشى نام برد. وی قصیده‌ای در مدح پیامبر (ص) سرود اما موفق نشد آن را در حضور آن حضرت بخواند. مضع قصیده وی چنین است:

أَنْتُمْ تَفْتَمِضُ عَيْنَايَ لَيْلَةَ أَرْمَدَا وَ بِئْسَ كَمَا بَاتَ النَّسِيمُ سَهْدًا^۴

با آمدن اسلام، حد و مرزها مشخص گردید. به طوری که شاعر دیگر آزاد نبود هر طوری که میل داشت شعر بسراید. از طرفی مردم به شاعرانی که مدح را متبع درآمد قرار داده بودند، با چشم حفاقت می‌نگریستند. زیرا در این گونه شعر آبروی خود را در راه پیمودن مسافتی نه چندان کوتاه و رسیدن به بخشش از جانب ممدوح، گرو می‌گذاشتند. پیامبر اکرم (ص) نیز می‌فرمود: إِذَا رَأَيْتُمُ الْمَدْحِينَ فَارْحَبُوا فِيهِمْ وَ جَوْهَهُمُ الْتَرَابُ". در این دوره شاعران، آرمانهای بندگی را مدح می‌کردند و به جای مدح بی حساب، بیشتر مدح خود را به پیامبر اسلام (ص) و یاران آن حضرت اختصاص می‌دادند. بنابه گفته ناقدان، بهترین و صادق‌ترین مدح، بیت زیر از کعب بن زهیر است:

نَحْمَلُهُ نَسَاقَةَ الْأَدْمَاءِ مَعْتَجِرًا بِالْبُرْدِ كَالْبَدْرِ جَلُّ لَيْلَةَ الظُّلَمِ^۴

و نیز گفتار حدادانین ثابت:

مَنْ يَبْدُ فِي الدَّاجِي انْبِهِم جِيئِنَه يَلْعُ مَثَلُ مَصْبَاحِ الدُّجَى الْمُتَوَقِّدِ^۵

و همچنین ابوطالب (ع) در دوستی با پیامبر (ص) چنین سرود:

كذبتُم و بیت الله نبزی محمداً

و لسان طاعن دونه و تناضل^۶

در دوره بنی امیه نیز خلفا به شاعران مدح اهمیت داده و آنها را مقرب دستگاه خویش قرار دادند. البته این راه جدید، در منقبت اغراض شعر، تعبیری پدید نیاورد. زیرا شاعر همانند گذشته، بازگو کننده وقایع روز و ذکر صفات پسندیده و ناپسند و تجلیل و تزیین حسب و نسب بود. مدح پیامبر (ص) در این دوره نیز از اهمیت خاصی برخوردار بود. از میان اشعار مدح این دوره می توان به هاشمیات کتبت اشاره کرد که یکی از بهترین آن چنین است:

طیب الأصل طیب العود فی البیت

حیة و المنسوع یثربین تساهمی^۷

دوره عباسی نیز دوره شکوفایی فنون مختلف شعری از جمله مدح است. شاعران این دوره در مدح خود مبالغه زیاد می کردند. از جمله شاعرانی که در این دوره پیامبر اسلام (ص) را مدح کرده اند، می توان به دعبل خزاعی، سید حمیری و دیک الجن اشاره کرد. دعبل در قصیده معروف تائیه می سراید:

مدارش آیات خلقت من تلاوة

و منزل وحی مقفول العرصات

لآل رسول الله بالخیف من مسی

و بالزکون و التعلیف و الجمرات^۸

در دوره انحطاط، مدح پیامبر (ص) و استشهاد به قرآن کریم و حدیث شریف رواج بیشتری یافت. در آسمان ادبیات این دوره - مخصوصاً مدح پیامبر (ص) - اسامی افرادی چون: بو صیری، صفی الدین حلّی، ابن نباته و عائشه باعزیه می درخشند. از میان این شاعران، بو صیری و عائشه، مدح پیامبر (ص) را به اوج خود رساندند. بو صیری دو قصیده معروف در مدح پیامبر (ص) سروده است:

۱ - قصیده بزده با مطلع:

أمن تذکر جویان بقی سلم

مرجت دعماً جری من مقله بدم^۹

۲ - قصیده همزیه با مطلع:

کیف ترقی رفیق الأنبیاء

یا سماء ما طارلها سماء^{۱۰}

عائشه باعزیه نیز قصیده ای با عنوان "الفتح المبین فی مدح الامین" پیامبر (ص) را مدح کرده که مطلع آن چنین است:

في حسن مطلع أقماری بذی سلم أصبحت في زمرۃ العشاق كالعلم^{۱۱}
 در دوره معاصر، مدح رسول اکرم (ص) بیشتر به تقلید از شعر قدیم صورت گرفته است. از
 بهترین شاعران این دوره که پیامبر (ص) را مدح کرده‌اند می‌توان به محمود مهابادی بارودی و
 حمد شوقی اشاره کرد.

مطلع قصیده بارودی چنین است:

محمد خاتم المرسل الذي خضعت
 له البیة من غرب و من عجم^{۱۲}
 حمد شوقی نیز در مدح پیامبر (ص) دو قصیده مهم سروده است:
 ۱ - قصیده همزه با مطلع:

و ندی انهدی فالکائنات ضیاء و تم الزمان تبسم و ثناء^{۱۳}
 ۲ - نهج البرده با مطلع:

رسم علی القاع بین انیان و العلم أحل سقک دمی فی الأشهر الحرم^{۱۴}
 یکی دیگر از قصیده‌هایی که در ادبیات معاصر، پیرامون مدح حضرت خنمی مرتبت محمد
 مصطفی (ص) به چشم می‌خورد، قصیده داتیه سیندراضا موسوی هندی صاحب قصیده معروف
 کثریه می‌باشد که از جنبه‌های مختلف فایده نقد و بررسی است. قبل از شرح و مقایسه قصیده
 مذکور، لازم است اندکی پیرامون سراینده آن و آثار عمدتاً مکتوب وی سخن به میان آوریم،
 تاگی به معرفی، شرح و مقایسه قصیده وی با سایر قصیده‌هایی که در مدح پیامبر (ص) سروده
 شده‌اند، بپردازیم.

زندگی قائم

سیندراضا موسوی فرزند سید محمد فرزند سید هاشم معروف به هندی - به سبب مهاجرت
 یکی از اجدادش به هند - در شب دوشنبه هشتم ذی القعدة سال ۱۲۹۰ ق. در نجف اشرف دیده
 - جهان گشود. در سال ۱۲۹۸ ق. که طاعون سراسر نجف را فرا گرفته بود، همراه پدرش به سامرا
 مهاجرت کرد. نسب وی با متجاوز از سی واسطه به امام دهم شیعیان، امام هادی (ع)، یا امام
 رضا (ع) و با به امام موسی بن جعفر (ع) می‌رسد. بتایر این وی را نقوی، رهنوی و موسوی

خوانده‌اند. اما خانواده سیدرضا به موسوی معروف شده‌اند. وی پنجمین فرزند پسر خانواده به شمار می‌رفت و از دوران نوجوانی، اهل تقوا بود. گویند وی اولین حدیث را از امام شیرازی شنید و آن را حفظ کرد. (حدیث نبوی العلم نور یقذقه الله فی قلب من یشاء). زمانی که سیدرضا در مدّت کمتر از حدّ معمول قرآن را حفظ کرد، امام شیرازی - قدس سرّه - شگفت‌زده شد و حدیث معروف را از پیامبر (ص) در مورد وی به کار برد. سامرا در آن روزها، مرکز اجتماع دانشمندان و ادیبان بود. سیدرضا از سرچشمه گوارای ادبیات عرب، بهره‌ها برد و مدّتی جهت کسب دانش و معرفت در همان دیار رحل اقامت افکند. در سال ۱۳۱۱ ق. همراه با پسر به نجف اشرف بازگشت و تحصیلات خود را در فقه، اصول و سایر علوم زیر نظر پدرش (سید محمد هندی)، سید محمد طباطبایی، شیخ محمد طه نجف، شیخ حسن فرزند صاحب جواهر، ملامحمد شریانی و شیخ ملامحمد کاظم خراسانی آموخت. وی از استادانی چون شیخ اسدالله زنجانی، سید حسن صدر، سید ابوالحسن اصفهانی و شیخ آقابزرگ تهرانی، اجازه روایت دریافت کرد. به طوری که شیخ محمد طه نجف در سال ۱۳۲۲ ق. شاهد اجتهاد او بود. وی دارای اخلاق نیک و علم سرشار بود و در طول زندگی با رنج‌ها و سختی‌های زیادی مواجه بود. البته این‌گونه مشکلات، وی را از پرداختن به تألیف و تصنیف دور نکرد.^{۱۵}

آثار

از جمله آثار وی که بیشتر آنها به صورت نسخه خطی باقی مانده است عبارتند از:

۱- المیزان العادل بین الحق والباطل: این کتاب در سال ۱۳۳۱ ق. در بغداد به چاپ رسید و به عنوان کتاب دوسی، در مدارس دولتی تدریس می‌شد، تا این که سردمداران انگلیس مانع انتشار آن شدند.

۲- بلغة المراحل: کتابی است در مورد اعتقادات و اخلاق.

۳- الوافی فی شرح الکافی فی العروض و التعافی.

۴- شرح علی باب اظهار: شرحی است بر کتاب پدرش یعنی: "اللائئ التاظمه للأحكام

اللازمة".

- ۵ - سبيكة المسجد في التاريخ بأبيجد: کتابی است در مورد تاریخ ابجد.
 - ۶ - انوحة الحجازية: سفرنامه حج وی در سال ۱۳۴۷ ق.
 - ۷ - درر البحور فی العروض .
 - ۸ - تقریرات استادش سید محمد بحر العلوم .
 - ۹ - شرح رسالة غاية الإيجاز: اثر مرحوم پدرش .
 - ۱۰ - دیوان السید رضا الموسوی الهندی^{۱۶} .
- دیوان وی دارای ۱۶۰ صفحه است که تمام سروده های وی را در بر ندارد. این دیوان به وسیله سید موسی موسوی جمع آوری شد و دکتر عبدالصاحب موسوی نیز مقدمه ای بر آن نوشت. این کتاب در "دارالکتاب الإسلامی" به زیور طبع آراسته شد. عنوان های اصلی دیوان عبارتند از:
- فی التبی و آله - صلوات الله علیهم .
 - الشعر الأخوي - فی الثنای و المراثی و الترأسل .
 - فی الغزل و التسیب .
 - شعر تاریخ .
 - متفوقات .

منابعی در باره وی

- سعی که در مورد سید رضا موسوی مقالیه نگاشته ند عبارتند از:
- ۱ - الحصون النبیة، نوشته علامه شیخ علی کاشف الغطاء .
 - ۲ - أعیان الشیعة، نوشته علامه سید محسن الامین .
 - ۳ - الظلیعة، نوشته علامه شیخ محمد السماوی .
 - ۴ - الروض النضیر، نوشته علامه شیخ جعفر النندی .
 - ۵ - شعراء انقري، نوشته علی الخاقانی .
 - ۶ - هکذا عرفتهم، نوشته جعفر الخلیفی^{۱۷} .

تاریخ ابجد

سیدرضا موسوی هندی علاوه بر تسلط بر فقه، اصول و موضوعات کلی شعر، بر تاریخ ابجد نیز مسلط بود. برای نمونه، شهادت حضرت ابی‌عبدالله امام حسین بن علی (ع) را که در سال ۶۱ ق. اتفاق افتاد و آوردن عدد کوچک به تاریخ ابجد با آن که کار دشواری است، ماهرانه چنین بیان کرده است:

صرخ التادبون باسم این طه و علیه لم تجس الماء عین
لم یصیبوا الحسین إلا فقیداً حیثما أزعجه - أین الحسین^{۱۸}

در مصراع اول بیت دوم اشاره می‌کند که کلمه "حسین" از "أین الحسین" حذف شود و کلمه "أین" به تنهایی با تاریخ ابجد، سال ۶۱ ق. را می‌رساند.

وفات

سیدرضا موسوی در سال ۱۳۶۲ ق. دارفانی را وداع گفت. جمعیت انبوهی از جمعی دانشمندان و سرشناسان در تشییع پیکر او از سراسر عراق شرکت کردند. پیکر او را از منطقه "مشخاب" به ناحیه "أبی صخر" انتقال داده و از آنجا تا نجف شرف با کاروانی متشکل از صدها خودرو تشییع کرده و سرانجام پس از اقامه نماز در صحن علوی، در گورستان خانوادگی واقع در محله "حویش" شهر نجف به خاک سپردند.^{۱۹}

محتوای قصیدهٔ دالیه، سرودهٔ سیدرضا موسوی

در کنار سایر فصاید سیدرضا موسوی، قصیدهٔ دالیهٔ او در مدح پیامبر اکرم (ص)، از اهمیت خاصی برخوردار است. اگرچه موضوعات مطرح شده در این قصیده به تقلید از شاعران گذشته است ولی چون سبک هر شاعر خاص اوست، نقد و بررسی این قصیده و مقایسهٔ آن با دیگر فصاید از این قبیل خالی از لطف نیست.

این قصیده را در مدح پیامبر اکرم (ص) سروده است؛ بحر آن ضریحی و وزن آن قمر این مفاعیلین

- فعلی مبالغه می‌باشد. چون حرف روی در این قصیده حرف "دان" می‌باشد آن را دالیه
 می‌دانند. قافیه آن مصطفیٰ با وصل به "واو" خوانده می‌شود و مطلع قصیده، مصراع است.^{۲۰}
- قصیده یاد شده در ۳۷ بیت تنظیم شده و سراینده در آن به موضوعات زیر اشاره کرده است:
- حمدی که در شب میلاد پیامبر (ص) اتفاق افتاده است (ب ۴ - ۱).
 - هدف از بعثت پیامبر (ص) (ب ۵ و ۶).
 - سجده کردن فرشتگان الهی به پیامبر (ص) در صلب حضرت آدم (ع) (ب ۷).
 - صدر نشینی پیامبر (ص)، در صف فرستادگان الهی (ب ۸).
 - اشاره پیامبران پیشین به وجود پیامبر اسلام (ص) (ب ۹).
 - خلقت جهان هستی به خاطر پیامبر اکرم (ص) (ب ۱۰).
 - اسود و انگور بودن پیامبر (ص) (ب ۱۱).
 - همراه بودن اسم پیامبر (ص) در کنار اسم خداوند متعال (ب ۱۲ و ۱۳).
 - گسترش توحید و یکتاپرستی توسط پیامبر (ص) (ب ۱۴ و ۱۵).
 - شاره کتابهای آسمانی به تولد پیامبر (ص) (ب ۱۶ - ۲۱).
 - پیروزی حق و نابودی باطل (ب ۲۲ و ۲۳).
 - ارشاد عقل در برابر هوا و هوس (ب ۲۴ و ۲۵).
 - دستور تبلیغ دین از طرف خداوند به پیامبر (ص) و حمایت علی (ع) و ابوطالب (ع) از
 پیامبر اکرم (ص) (ب ۲۶ - ۲۹).
 - محبت آن حضرت و خوانیدن امام علی (ع) در بستر وی (ب ۳۰).
 - آن حضرت بهترین پیامبران الهی است (ب ۳۱).
 - معجزه جدولتی پیامبر (ص) (ب ۳۲).
 - مبارزه طبری قرآن (ب ۳۳ و ۳۴).
 - شریعت رسول اکرم (ص) (ب ۳۵ و ۳۶).
 - فرود بر کربلا بر آخرین فرستاده حق (ب ۳۷).

شرح و مقایسه قصیده با دیگر قصاید سروده شده در این موضوع

همان صوری که پیشتر نیز اشارت رفت، مدح پیامبر اکرم (ص)، از دیرباز مطمح نظر شاعران بوده و افراد زیادی با اشاره به حوادث زمان تولد تا وفات رسول اکرم (ص)، در مدح آن بزرگوار قلم زده‌اند. اگرچه سیدرضا موسوی نیز، جای پای شاعران پیشین گام برداشته است، اما مطالب مطرح شده در اشعار قدیم را به سبک جدید و با زبان ادبیات معاصر بیان کرده است. اینک به مطالب بیان شده در این قصیده اشاره می‌کنیم و برای این که مقایسه‌ای میان سبک وی با دیگر شاعران، در قصاید مدح پیامبر (ص) انجام پذیرد، در کنار قصیده سیدرضا موسوی به پاره‌ای از اشعار شاعران معروف عرب و فارس اشاره می‌شود. موضوعات این قصیده را در پانزده بخش به شرح زیر مورد نقد و بررسی قرار می‌دهیم:

۱. حوادثی که در هنگام ولادت آن حضرت رخ داد:

هنگامی که آمنه مادر پیامبر اسلام (ص) حامله شد به او گفته شد: "إِنَّكَ قَدْ حَمَلْتَ بِسِيَةِ هَذِهِ الْأُمَّةِ فَإِذَا وَقَعَ بِالْأَرْضِ فَقُولِي أُعِيذُكَ بِالْوَالِدِ مِنَ الشُّرْكِ كُلِّ حَامِدٌ مِمَّنْ سَبَّهَ مُحَمَّدًا وَرَأَتْ حِينَ حَمَلَتْ بِهِ أَنَّهُ خَرَجَ مِنْهَا نُورٌ رَأَتْ مِنْهُ قُصُورَ بَصْرَى مِنْ أَرْضِ الشَّامِ"^{۲۱}.

در شب تولد آن حضرت، ایوان کسری شکافت و چند کنگره از آن فرو ریخت و آتش آتشکده فارس خاموش شد، دریاچه ساوه خشک گردید، بت‌های خانه مکه سرنگون شد، نوری از وجود آن حضرت، به سوی آسمان بلند شد که شعاع آن فرسنگ‌ها راه را روشن کرد، انوشیروان و مؤید مؤیدان خواب وحشتناکی دید، آن حضرت خنجر شده و ناف بریده به دنیا آمد.

این حوادث را شاعران کم و بیش در اشعار خود آورده‌اند. سیدرضا موسوی نیز اشاره به این حوادث می‌گوید:

أرى الكون أضْحَى نوره يتوقّد	لأمر به نيران فارس تخمد
وایوان کسری اشراق اهلای مؤذناً	بأن بساء الدین عباد یسئد
أرى أن أم الشریک أضحت عقیمة	فهل حان من خیر النبیین مولد؟

نعم كاد يتولى الضلال على الورى
فأقبل يهدي المالمين محمد^{۲۲}
وی به تقلید از شاعران پیشین و در بعضی موارد بهتر از آنها، پیامبر (ص) را مدح کرده است.
در مورد حوادث شب تولد پیامبر (ص)، بوصیری می‌گوید:

وبات ایوان کسری وهو متصدع
كشال أصحاب کسری غیومتم^{۲۳}
حد. شوقی نیز این مطلب را چنین بیان می‌کند:

ولد الهسدى فالکائنات ضیاء
و النار خاویة الجواب حولهم
و نسف الزمان تبسم و ضیاء
خدمت ذوابها و غاض الماء^{۲۴}
تدبر اندکس نیز به این موضوع اشاراتی داشته‌اند. شفرطیسی می‌گوید:

و صرح کسری تداعی من قواعدہ
و نار فارس لم توقد و ما خدمت
و انقض منکر الأرجاء ذامیل
خسرت لسبعه الأوثان و انبعثت
مذ ألف هام و نهر القوم لم یسل
ثواب الشهب ترمي الجن بالشعل^{۲۵}
من مرزوق نیز از شاعران اندکس در این زمینه اشعاری دارد:

یسامن لدی مولده الـ
ایوان کسری ارتجج إذ
سعدت تصور قیصر^{۲۶}
سعدت تصور قیصر

شاعران پارسی زبان نیز به میلاد پیامبر اشاره کرده و اشعار نغزی را سروده‌اند که به یک نمونه
ذایر شعار که توسط آریب المغانک قرائت می‌شود، شده است اشاره می‌شود:

بسرخیب شستر یمانا سربند کجاوه
کمز چرخ همی گشت عیان زایت کباوه
در شایخ سجر برخواست آوای چکاوه
در طول سفر حسرت من گشت علاوه
بگستر به شتاب اندر از رود سماوه
من دجسته من سنگر دریاچه ساوه

وز سینه‌ام آتشکدهٔ پارس نمودار^{۲۷}

۲- حذف از بعثت رسول اکرم (ص):

خداوند متعال پیامبر اسلام (ص) را برانگیخت تا تاریکی ظلم و جهالت را از میان بردارد.

این موضوع را سیدرضا موسوی چنین بیان می‌کند:

نسیب پراء الله نوراً بعروشه
و ما كان شیء فی الخلیقة یوجد

و أودعه من بعد فی صلب آدم
لیترشد الضلال فیہ و یهدوا^{۲۱}

خداوند متعال پیامبر اسلام را برای نجات دادن افراد گمراه و هدایت آنان فرستاد. در قرآن

کریم می‌فرماید: "هو الذي بعث فی الأمیین رسولاً منهم یتلوا علیه آیاته و یرکبهم و یعلمهم

الکتاب و الحکمة و إن كانوا من قبل لفی ضلال مبین"^{۲۱}

همین مطلب را ابن جریر اندلسی نیز به طرز لطیفی بیان کرده است:

إن رسول الله مصباح هدی
یهدی به من فی دجر النیل متا^{۲۲}

شبیبه این معنا را در عصر سلامی، کعب بن زهیر بیان کرده بود:

إن الرسول لنور یستضاء به
مهتد من سیوف الله مسلول^{۲۳}

۳- پیامبر اکرم (ص) در صلب آدم (ع) مورد سجده فرشتگان قرار گرفت:

سیدرضا موسوی با اشاره به این مطلب می‌گوید:

ولو لم یکن فی صلب آدم مودعاً
لما قال قدماً للملائكة: اسجدوا^{۲۴}

و بی به آیه شریفه: "و إذ قلنا للملائكة اسجدوا لآدم فسجدوا إلا إبلیس أبی و استکبر و کان من

الکافرین"^{۲۴} اشاره کرده است.

۴- آن حضرت در صف اول پیامبران الهی قرار داشت:

پیامبر اکرم (ص) اگرچه بعد از همه پیامبران الهی مبعوث شد اما پیش از همه آنان محبوب

خداوند متعال بود و پیامبران پیشین نیز بشارت او را داده بودند. سیدرضا موسوی هندی این

موضوع را در ابیات زیر بیان می‌کند:

له الصدر بين الأنبياء و قبلهم
 على رأسه تاج النبوة يعقد
 لئلا يسبقوه بالمعجز فإتعا
 أتوا ليبتوا أسره و بمهدوا^{۳۴}
 در بن بیت ما اشاره ای به آیه شریفه: " و مبشراً برسول يأتي من بعدی اسمه أحمد"^{۳۵} کرده
 است بر صبری این موضوع را قبل از سیدرضا موسوی چنین گفته است:
 ذاق التبيين في خلقه و في خلق
 ولم يدانوه في علم ولاكرم^{۳۶}
 بر گفته است:

و قدمتك جميع الأنبياء بها
 و الرسل تقديم مخدوم على خدم^{۳۷}
 ز بیان شاعران اندلس نیز به بیت زیر از ابن جابر بسنده می‌کیم:
 إن تحسب الرسل سماء قد بدت
 فإتة نسي أنسها نجم هدى^{۳۸}
 شایسته دان حضرت عیسی را در بیت زیر از احمد شوفی نیز مشاهده می‌کنیم:
 أتى المسيح عليه خلف سمائه
 و تهللت و اهتزت العذراء^{۳۹}
 شاعر ایرانی جمال‌الدین عبدالرزاق اصفهانی نیز در ترکیب بند معروف خود، موضوع برتری
 پیامبر کرم (ص) را بر دیگر پیامبران چنین بیان می‌کند:

ای نسام تو دستگیر آدم
 وی خلق تو پایعمود عالم
 نرسدش درت کلیم همزمان
 چاروش رهن مسیح مریم^{۴۰}

۲- چهار هفتی سخنان پیامبر اکرم (ص) آفریده شد:

خداوند متعال پیامبر (ص) را مبعوث کرد تا بین مردم و وحدت ایجاد کند. در آیه شریفه:
 "كان اناس امة واحدة فبعث الله النبيين"^{۴۱} خداوند می‌فرماید: پس از آن که مردم اختلاف
 پیدا کردند، پیامبران را فرستاد تا وحدت را برقرار کنند. خداوند متعال در آیه دیگر به تأیید پیامبر
 صلاه (ص) اشاره کرده و می‌فرماید: " و إن يُريدوا أن يخذعوك فإن حسبك الله هو الذي
 أهدى بصرك و بالمؤمنين"^{۴۲}

عنه عن (ع) نیز در نهج البلاغه با اشاره به این مطلب می‌فرماید: " و أهل الأرض يومئذ ملل
 مفرقة و أمراء منتشرة و طرائق مشتتة، بين مشبه لله بخلقه أو ملحد في اسمه، أو مشير إلى

غیره فهداهم به من الضلالة^{۴۳}

موضوعات ذکر شده را سیدرضا موسوی در دو بیت زیر از قصیده خود به شکل زیر بیان کرده و گفته است:

رسول له قد سَخَّرَ الكونَ رُبَّه
و وحسده بالعزیزین عباده

و آئیده فهدو الرسول انسؤیده
لیجروا علی منہاجه و یوحسوا^{۴۴}

۶- خداوند نام محمد (ص) را همراه نام خود قرار داد:

وی معتقد است که خداوند اسم پیامبر (ص) را همراه اسم خود آورده و کسی که او را تکبار کند، بدون شک خداوند را تکبار کرده است و کسی که شهادت به توحید خداوند بدهد، در واقع به رسالت پیامبر اکرم (ص) گواهی داده است.

سیدرضا این موضوع را در دو بیت زیر بیان می‌کند:

و قارن ما بین اسمہ و اسم أحمد
و من کان بان توحید لَّه شاهداً

فجاحده لانک لَّه بسجد
فذاک لطفه بالرسالة یشهد^{۴۵}

احمد شوقی، از شاعران معاصر عرب، با اشاره به این موضوع گفته است:

تظمت أسامي الرسول فہی صحیفۃ
اسم الجلالة فی بدیع حروفہ

فی اللوح و اسم محمد طغرافہ
ألف هنالک و اسم طہ الباء^{۴۶}

نقاسی گنجوی می‌سرایند:

تختہ اول کہ الف نقش بست
یر در محبویہ احمد نشست^{۴۷}

جمال‌الدین عبدالرزاق اصفهانی می‌گوید:

ایزد کہ رقیب جان خرد کرد
نام تو ردیف نام خود کرد^{۴۸}

۷- پیامبر اسلام دعوت به پرستش خداوند بکناکرد:

سیدرضا موسوی این مطلب و سرنگونی بت‌ها را - که از جمله معجزات شب تولد پیامبر گرامی اسلام می‌باشد - به شکل زیبا به نظم در آورده است:

ولولاه ما قلنا ولا تمان قائل
ولأصبحت أولانهم وهي التي
لمالك يوم الدين: إساك نعيد
لها سجدا نهوي خشوعاً وتسجداً^{۴۹}

۸ - در بیت اول از سوره حمد قتیاس کرده و صنعت عقده را نیز که تبدیل نثر به شعر است - به نحو زیبا آورده است. مسئله سرنگونی بیتها را شاعر معاصر عرب احمد شوقی نیز بیان کرده و گفته است:

وبعد ما عابونا في الأفق من شهب
منقضة وفق ما في الأرض من صنم^{۵۰}

۸ - کتابهای آسمانی تولد پیامبر (ص) را بشارت می دهند:

این موضوع را شاعر در بیت های شانزدهم تا بیست و یکم بسیار زیبا بیان می دارد:

و في حجرها خيرائبين يولد	لأمة البشرية مدى الدهر إذهدت
وإن حاول الإخفاء للحق مسلحد	به بشر الإنجيل و الصحف قبله
لميسى و من "فاران" جاء محمد	"بين" دعا موسى و "ساعير" بعث
به أمسروا أن يهتفوا و يمجندوا	نسل يسفر شعيا ما ماتهم الذي
و هيئات للرحمن يخلف موعد	و من وعد الرحمن موسى بعينه
سأنزله نحو الوری حسین اصعد ^{۵۱}	و سل من عنى عيسى المسيح بقوله

در بیت های ذکر شده به بشارت پیامبران و کتاب های آسمانی در مورد پیامبر (ص) اشاره شده است. از جمله بشارت های تولد پیامبر اکرم (ص)، بشارت "یحییٰ الخواری" در انجیل و بشارت حضرت موسی (ع) در "ساعیر" و "فاران" می باشد.

در کتاب مالک فرمائی در فرزانها بر از مسط خویش به این موضوعات اشاره کرده و گفته است:

موسى ز ظهور شو خبر داد به یوشع
مدرس بیان کرده به اختوخ و همیلع
شامول به یثرب شده از جانب شیع
تا بر سر دهند نامه آن شاه سئیدع
هم از رخ داد از برانداخته برقع

بر فرق تو بنهاد، خدا تاج مرصع
نیز می‌گوید:

این است که ساسان به دستایر خیر داد
جاماسب به روز سوم تیر خیر داد
بر بسایک برتا پدر پیر خیر داد
بسودا به صنمخانه کشمیر خیر داد
مخدوم سرانیل به ساعیر خیر داد
و آن کودکی ناشسته لب از شیر خیر داد

ربیعون گفتند و نبوشیدند اخبار^{۵۳}

یا شقراطیسی شاعر اندلسی گفته است:
توراة موسی اثث عنه فصدها

باجیل عیسی بحقی غیر مقتعل^{۵۴}

۹ - حق پیروز و باطل نابود می‌شود:

پیامبر اسلام (ص) حق بود و دشمنان آن حضرت باطل، همان طوری که خداوند وعده داده بود، حق را پیروز و باطل را نابود ساخت. خداوند سبحان می‌فرماید: "و قل جاء الحق و زهق الباطل إن الباطل کان زهوقاً"^{۵۵}

سید رضا موسوی پیروزی حق و نابودی باطل را در بیت‌های بیست و دوم و بیست و سوم بیان می‌کند:

و لکنما حظ السمعة أسوء

لعمرك إن الحق أبيض ناصع

و عما قليل فی جهنم یخلد^{۵۶}

ایخلد نحو الأرض متبع الهوی

و در این بیت‌ها اشارتی دارد به آیه شریفه: "اللّه ولی الذین آمنوا یخرجهم من الظلمات إلى النور و الذین کفروا أولیائهم الطاغوت یخرجونهم من النور إلى الظلمات أولی اصحاب النار هم فیها خالدون"^{۵۷}

۱۰ - عقل، انمان را در برابر هوا و هوس ارشاد می‌کند:

پیامبر اکرم (ص) عقل کل عالم هستی بود و گمراهان را هدایت می‌کرد. سیدرضا موسوی می‌گوید:

ولولا الهوى المغوي لما قال عاقل
ولا كان أصناف التصارى تنصروا
عن الحق يوماً كيف و العقل مرشد؟
حديثاً ولا كان اليهود تهوداً^{۵۸}

می‌گوید: کسانی که از حق منحرف شدند، به سبب این بود که به ارشادات عقل توجهی نکردند.

۱۱ - خداوند دستور تبلیغ را به پیامبر اسلام (ص) می‌دهد:

خداوند متعال پس از دادن دستور تبلیغ، از پیامبر (ص) می‌خواهد که ترس بخود راه ندهد. زیرا ابوطالب و علی - علیهما السلام - از آن حضرت حمایت خواهند کرد. سراینده، این معنا را در بیت‌های زیر چنین بیان می‌کند:

أبانتقاسم اصدع بالزسالة منذراً
ولا تخش من كيد الأعداي و بأسهم
و هل يخشى كيد المضلين من له
عقلن يد الهادي يصول بهاركم
تسيفك عن هام العدى ليس يفعد
فإن هلياً بالحصام مقتد
أبوطالب حام و حيدر مسعد
لوالده الزاكي صلى أحمد يد^{۵۹}

در این بیانات اشاره می‌کند به آیه شریفه: "فاصدع بما تؤمر و أعرض عن المشركين"^{۶۰} و پیامبر (ص) را برای دفاع از کیان اسلام دعوت می‌کند و در این راه ابوطالب و علی - علیهما السلام - را یاور و پشتیبان آن حضرت می‌داند.

۱۲ - پیامبر (ص) هجرت آغاز می‌کند و علی (ع) در بستر آن حضرت می‌خوابد:

سر برده بر موضوع را در بیت سی‌ام قصیده خود بیان می‌کند و می‌گوید:

و مساجز أبا الزهراء أرض مكة
هنيك سلام الله يا خير مرسل
و خلل هلياً في فراشك يرقد
إليه حديث العز و المجد يسند^{۶۱}

۱۳ - خداوند به پیامبر (ص) معجزه جاودانی عنایت فرمود:

خداوند متعال به حضرت عیسی، حضرت موسی، حضرت ابراهیم و... معجزه‌هایی عنایت فرمود. این معجزه‌ها پس از مدتی از بین رفتند. به پیامبر اکرم (ص) نیز معجزه قرآن را عطا فرمود که همیشگی و جاودانی است.

سیدرضا موسوی این موضوع را در بیت زیر بیان می‌کند:

حیاک إله العرش منه بمعجز
تبیّد اللیالی و هو بانی مؤید^{۶۲}

بوصیری نیز در قصیده برده همین موضوع را چنین بیان کرده است:

آیات حق من الرحمن محدثة
قدیمة صفة الموصوف بالقدم

لم تقترن بزمان و هی تخبرنا
عن المعاد و عن عادٍ و عن إرم^{۶۳}

احمد شوقی هم سروده است:

الذکر آية ربك الكبرى التي
فيها باغي المعجزات غناء^{۶۴}

۱۴ - قرآن مخالفان خود را به مبارزه می‌طلبید:

پس از نزول قرآن کریم، بسیاری از فصحا و بلغای عرب به مبارزه با آن برخاستند، اما همگی در برابر کلام وحی عاجز شدند. خداوند می‌فرماید: "و إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ"^{۶۵} این موضوع را شاعران دیگر در اشعار خود ذکر کرده‌اند که به نمونه‌های زیر اشاره می‌کنیم:

شقراطیسی:

أعجزت بالوحي أرباب البلاغة نبي
عصر البيان فضلت أوجه الحيل

سأنتهم سورةً في مثل حكمته
تألمهم عن خَيْرِ المعجز خيرٌ شلي^{۶۶}

ابن خبازه:

تحدّى به أهل البيان بأسرهم

فكلمهم ألفاءً بالعجز وانبا^{۶۷}

احمد شوقی:

صدر البيان له إذا التقت ألفى

و تقدم البلاء والفصحاء^{۶۸}

بن موضوع را سبباً و موسوی نیز به شکل جالب و زیبا بیان کرده و می‌گوید:

دعوت قریباً أن یجیتوا بمثله فما نظقوا و الصمت بالعی یشهد
و کسم قدوعاه منهم ذوبلافة فأصبح مبهوتاً یقوم و یقعده^{۶۹}

۱۵۰ در پایان قصیده به شریعت پیامبر (ص) اشاره کرده و با درود و سلام بی‌کران بر آن حضرت، شعر خود را به پایان می‌رساند:

وجئت إلى أهل الحجی بشریعة صفالهم من مائها العذب مورد
تسریعة حتی إن تقادم عهدها فسمأزال فینا حسنھا یشجد
علیک سلام اللہ ما قام صابد یجنح الدجی یدعو و مادام معبد^{۷۰}

وی درود بر پیامبر (ص) را در جمله اسمیه "علیک سلام اللہ" آورده که آن را به زمان مقید کرده و گفته است: تا زمانی که عبادت‌کنندای در دل شب به راز و نیاز می‌پردازد و تا زمانی که عبادت‌گامی وجود دارد، ای پیامبر اسلام بر تو درود باد.

در پایان می‌توان گفت که سراینده علاوه بر کاربرد الفاظ زیبا و معانی استوار، درسی و هفت بیت یک دوره مختصر از تاریخ اسلام را بیان کرده است که در خور تقدیر است. اشاره به آیات قرآنی و حوادث تاریخ اسلام نیز دلیلی بر تسلط وی در علوم اسلامی می‌باشد.

یادداشت‌ها

- ۱- آل عمران / ۶۴.
- ۲- دکتر ک: الاستکدري، أحمد و عثاني، مصطفى، الوسيط في الأدب العربي وتاريخه، الطبعة السادسة عشرة، دار المعارف، مصر، ص ۲۸.
- ۳- الأهنسي، ديوان، تحقيق فوزي عطوي، الشركة اللبنانية للكتاب، ص ۱۰۶.
- ۴- الحسيني، السيد باقر، تاريخ الأدب العربي (أدب صدر الإسلام)، دار لاعتصام لطبائنة و النشر، الطبعة الأولى، ۱۴۲۶ ق، ص ۲۷۲.
- ۵- الأنصاري، احسان نير ثابت، ديوان، دار بيروت نطاطحة و النشر، ۱۴۰۰ ق، ص ۶۰.
- ۶- توننجي، محمد، شرح ديوان الرطب (ع)، دار الكتاب العربي، الطبعة الأولى، ۱۴۱۴ ق، ص ۵۶.
- ۷- الصالح علي صالح، الروضة المختارة، مشورات اشرف ارضي، قم، الطبعة الأولى، ص ۱۶.
- ۸- الخراصي، دعبل، ديوان، تحقيق محمد يوسف نجم، دار الثقافة، بيروت ۱۹۶۲ م، ص ۴۴.
- ۹- غروب، عمر، تاريخ الأدب العربي، دار احلم للملايين، الطبعة الأولى، ۱۹۸۳ م، ج ۳، ص ۶۷۵.
- ۱۰- همان، ص ۶۷۴.
- ۱۱- همان، ص ۹۲۶.
- ۱۲- الهانسي، أحمد، جواهر الأدب، الطبعة الثانية عشرة، بيروت، ۱۳۴۱ ق، ص ۵۰۰.
- ۱۳- شوقي، أحمد، الشوقيات، دار الكتاب العربي، الطبعة الحادية عشرة، بيروت، ۱۴۰۶ ق، ج ۱، ص ۲۲.
- ۱۴- همان، ص ۱۹۰.
- ۱۵- موسوی هندی، سیدرضا، ديوان، تحقيق عبدالصاحب، موسوی، دار الكتاب الاسلامي، ص ۲۱۱.
- الخاقاني، غني، شعراء الفرو، مكتبة آية الله العظمى المرعشي، قم، ۱۴۰۸ ق، ج ۲، ص ۸۱.
- ۱۶- همان جا.
- ۱۷- همان جا.
- ۱۸- همان جا.
- ۱۹- همان، ص ۱۳.

۲۰. برای اطلاعات بیشتر در زمینه اصطلاحات عروضی، ر. ک: «ترمخشوری، جزائیه، القسطاس من علم عروض»، تعریف فخرالدین قیاقه، الطبعة الثانية، بیروت، ۱۴۰۱ ق.؛ ابو عنی، توفیق، علم العروض و محاولات تجدید، دارالاسفان، الطبعة الثانیة، ۱۴۱۲ ق.؛ معروف سائف و الأسمد عمر، علم العروض التطبیعی، الطبعة الثالثة، ۱۴۹۹ ق.
۲۱. ر. ک: الظیری، حریر، تاریخ الأمم و الملوک، منشورات الأعلی للمطبوعات، الطبعة الخامسة، بیروت، ۱۴۰۴ ق. ج ۱، ص ۵۷۶.
۲۲. دیوان، ص ۶۷.
۲۳. محمدا، علی، تصحیح شرح قصیده برده (نوشته یکی از دانشمندان سده نهم هجری)، مرکز انتشارات عمر و فرهنگ، ۱۳۶۱ ش، ص ۶۷.
۲۴. شوقی، احمد، همان، ج ۱، ص ۳۲.
۲۵. فروغ، عمر، همان، ج ۴، ص ۶۶۲.
۲۶. همان، ج ۶، ص ۵۵۲.
۲۷. حکیمی، محمدرضا، ادبیات و تعهد در اسلام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ هشتم، ۱۳۷۳ ش، ص ۱۵۱.
۲۸. دیوان، ص ۱۷.
۲۹. حسنه، ۲۱.
۳۰. فروغ، عمر، همان، ج ۶، ص ۵۳۵.
۳۱. همان، ج ۱، ص ۲۸۵.
۳۲. دیوان، ص ۱۷.
۳۳. غزالی، ۲۴.
۳۴. دیوان، ص ۱۷.
۳۵. ص ۶۱.
۳۶. حکیمی، محمدرضا، همان، ص ۲۲۳.
۳۷. محمدا، علی، همان، ص ۱۰۲.

۳۸- غرور، عمر، همان، ج ۶، ص ۵۳۶

۳۹- شوقی، احمد، همان، ج ۱، ص ۳۳

۴۰- حکیمی، محمدرضا، همان، ص ۱۵۳

۴۱- بقره / ۳۱۳

۴۲- انفار / ۶۲

۴۳- نضاح صبحی، نهج البلاغه، حد ۱، ۱۱۱

۴۴- دیوان، ص ۱۷

۴۵- همان جا

۴۶- شوقی، احمد، همان، ص ۳۱

۴۷- حکیمی، محمدرضا، همان، ص ۱۵۴

۴۸- همان، ص ۱۵۳

۴۹- دیوان، ص ۱۸

۵۰- محدث، علی، همان، ص ۷۲

۵۱- دیوان، ص ۱۸

۵۲- حکیمی، محمدرضا، همان، ص ۲۶۲

۵۳- همان حداد شیرانگان مؤسس سلسله مسانین / مسانیر: جمع دستور، مأمور عالی رتبه روحانی

در عهد مسانی / جادامب، در روایات وردشنی: حکیم ایرانی که دختر رودش را به وی گرفت / اختاره
سراییل: حضرت موسی (ع) / صاعیر: کوهی در فزاد در حدود روم که حضرت موسی (ع) بالای آن سوار
است / گوهک ناشسته: آب از شیر حضرت عیسی (ع) است که در گهواره سخن گفت / ربیب: همان دین

(همان، ص ۳۶۸)

۵۴- غرور، عمر، همان، ج ۶، ص ۶۱۱

۵۵- امراء / ۸۱

۵۶- دیوان، ص ۱۸

۵۷- بقره / ۲۵۷

۵۰. دیوان، ص ۶۸.

۵۱. همان جا.

۵۲. حصر / ۹۲.

۵۳. دیوان، ص ۱۱۵.

۵۴. همان جا.

۵۵. مثنوی، عی، همان، ص ۹۱.

۵۶. مرقی، حمله، همان، ج ۱، ص ۳۴.

۵۷. شرح / ۲۳.

۵۸. شرح، عمر، همان، ج ۴، ص ۶۱۳.

۵۹. همان، ج ۵، ص ۷۱۵.

۶۰. شرح، حمله، همان، ج ۱، ص ۳۴.

۶۱. دیوان، ص ۱۱.

۶۲. بر فسیله زابه نیابت از سراینده، ادیب مجنی سید خضر قزوینی در چشتراره انجمن ادیب نجف در

ص ۵۵، ربیع اول سال ۱۲۵۳ ق، قرائت کرد (دیوان، ص ۱۷)، سه بیت آخر (دیوان، ص ۱۹).